



بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل که تاکنون از هرگونه بحث درباره «روز بعد» اجتناب می‌کرد، اخیراً طرحی را به کابینه امنیتی خود تسلیم کرده است که طبق آن، اداره مدنی نوار غزه به نیروهای محلی غیرمرتبط با «تروریسم» یا «کشورهای حامی تروریسم» و بازسازی آن به کشورهای ثروتمند عرب واگذار خواهد شد اما در میان مدت ارتش اسرائیل کنترل تمام امور امنیتی باریکه را بر عهده خواهد داشت.

دولت آمریکا با طرح نتانیاهو به سردی برخورد کرده است، اما زبان ابهام‌آمیز متعدده‌تذکره، جای این تفسیر را بازگذاشته است که نتانیاهو علاوه بر تمایل خود برای واگذاری امور مدنی نوار غزه به رهبران محلی و سران قبایل ناحیه، با شراکت مشروط دولت خودگردان در مدیریت مدنی نوار غزه مخالفت نکرده است.

طرف سوم ماجرا یعنی آمریکا و متحدان اروپایی و عربی، خواهان بسط سلطه سیاسی دولت محمود عباس بر نوار غزه با چشم‌انداز تشکیل دولتی مستقل غیرنظامی برای فلسطینی‌ها در مناطق اشغالی قبل از جنگ سال ۱۹۶۷ هستند، اما در عین حال بر ضرورت بازسازی و تقویت دولت خودگردان تأکید دارند.

بدین ترتیب، بین سه طرف اصلی منازعه دره‌ای پرناشدنی وجود دارد.

در این میان، نتانیاهو با اصرار به حمله ارتش اسرائیل به اردوگاه رفح که بیش از یک میلیون آواره فلسطینی در آنجا پناه گرفته‌اند، در صدد نابودی آخرین پایگاه حماس در نوار غزه است تا اصولاً یک طرف معادله را از صحنه حذف کند.

جامعه جهانی اما به‌طور یکصدا با حمله ارتش اسرائیل به اردوگاه رفح مخالف است و در این میان به‌خصوص دولت جو بایدن با هر حمله‌ای به اردوگاه بدون طرح و برنامه‌ای برای حفاظت از جان غیرنظامیان مخالفت می‌ورزد.

در حقیقت، مخالفت آمریکا و متحدانش با حمله ارتش اسرائیل به اردوگاه رفح، به قصد حفظ بخشی از موجودیت حماس در باریکه غزه نیست، بلکه آنان نگران آن هستند که چنین حمله‌ای باعث تحکیم و تقویت موقعیت سیاسی نتانیاهو و احزاب افراطی متحد او در داخل اسرائیل شود و بدین‌وسیله راه برای مقاومت آنها در برابر فشارهای بیرونی معطوف به ضرورت تشکیل دولت مستقل فلسطینی هموارتر شود.

بر همین اساس، دولت بایدن مسیر حمله ارتش اسرائیل به اردوگاه رفح را سد کرده است تا بلکه راه حلی دیپلماتیک برای پایان تراژدی نوار غزه پیدا شود.

نخستین گام چنین راه‌حلی، آتش‌بس موقت بین اسرائیل و حماس به‌منظور تبادل تعدادی از اسیران دو طرف است. گام دوم به تشکیل دولتی تکنوکرات به رهبری چهره تازه‌ای در کرانه باختری مربوط می‌شود. گام سوم، به نرم اسرائیل در برابر بسط سلطه مدنی این دولت بر نوار غزه بستگی دارد. گام‌های بعدی، چشم‌انداز تشکیل کشور مستقل فلسطینی و عادی‌سازی روابط کشورهای عرب با اسرائیل خواهد بود.

در حالی که مذاکره برای برداشتن گام اول در جریان و سرنوشت آن در ابهام است، محمد اشتیه با استعفای خود، گامی در جهت تحقق مرحله دوم برداشته است.

در این بین به نظر می‌رسد روس‌ها نیز به سهم خود در جهت تحقق این سناریو نقش بازی می‌کنند. کرملین با میزبانی از رهبران سیاسی حماس و دولت خودگردان ظاهراً می‌کوشد تا آنها را با یکدیگر متحد کند. دولت خودگردان ظاهراً حضور بخشی از موجودیت سیاسی حماس برای اداره نوار غزه را ضروری می‌داند، اما به شرط انحلال بخش نظامی این سازمان و پذیرش راه‌حل دوقسری به روشی مسالمت‌آمیز.

برخی از رهبران سیاسی حماس به‌خصوص اسماعیل هنیه از راه‌حل دوقسری حمایت کرده‌اند. به نظر می‌رسد روس‌ها به تشویق و متقاعد کردن رهبران حماس برای حمایت آشکارتر از این روند برخاسته‌اند و به موازات آن، مصر و قطر نیز سران این سازمان را تحت فشار گذاشته‌اند تا مرحله تازه‌ای در مسیر سیاسی خود بگشایند.

آنچه اما همچنان مانع اصلی هرگونه ابتکار سیاسی برای حل بحران غزه و مسئله فلسطین به شمار می‌رود، رؤیای دیوانه‌واری است که راست‌های افراطی حاکم بر اسرائیل در مورد غصب دائمی سرزمین‌های اشغالی فلسطین در سر می‌پرورانند.

انتخابات آتی پارلمان اروپا و جایگاه احزاب راست افراطی

چرا جریان راست افراطی در اروپا تقویت شده است؟



رضا حقیقی

کارشناس مسائل اروپا

انتخابات پارلمان اروپا روزهای ششم تا نهم ژوئن ۲۰۲۴ (۲۰-۱۷ خردادماه ۱۴۰۳) برگزار خواهد شد و شهروندان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا برای انتخاب ۷۰۵ نماینده به پیای صندوق‌های رای خواهند رفت. اخبار و تحولات داخلی اروپا حاکی از آن است که در انتخابات آتی، احزاب و جناح‌های منسوب به راست افراطی قدرت قابل توجهی خواهند یافت. در حال حاضر سه حزب مردم یا دموکرات مسیحی (EPP) با ۱۷۶ نماینده،

احزاب راست افراطی در بسیاری از پایتخت‌های اتحادیه اروپا به‌طور فزاینده‌ای بر مسندهای ملی مسلط می‌شوند؛ چه در نتایج انتخابات، مانند موفقیت حزب آزادی در انتخابات سراسری هلند در ماه نوامبر سال گذشته، چه در توانایی آنها برای تعیین دستور کار کشورها، مانند حمایت از اعتراضات سراسری و حمایت از لایحه مهاجرت در فرانسه، باید گفت که راست افراطی نقش مهمی در شکل دادن به سیاست اروپا در سال ۲۰۲۳ ایفا کرده است. در سال ۲۰۲۴ نیز احتمالاً شاهد ادامه این روند نه‌تنها در سیاست کشورها، بلکه در سطح اروپا خواهیم بود، زیرا نظرسنجی‌های اولیه حاکی از تشکیل پارلمان اروپا با گرایش راست‌تر است. برای تعیین اینکه چقدر این تغییر می‌تواند قابل توجه باشد و چه تأثیری می‌تواند بر سیاست‌های اتحادیه اروپا و سیاست‌های دولت‌های ملی داشته باشد، باید به نظرسنجی‌ها در کشورهای عضو اتحادیه اروپا رجوع کرده و یک مدل آماری از عملکرد احزاب در گذشته استخراج کرد.

نتایج بررسی این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که پارلمان اروپا احتمالاً پس از ژوئن ۲۰۲۴ یک چرخش شدید به راست خواهد داشت. هر چند پارلمان مهم‌ترین نهاد اتحادیه اروپا از منظر سیاست خارجی نیست، اما نحوه همسویی گروه‌های سیاسی پس از انتخابات و تأثیری که این انتخابات بر بحث‌های ملی در کشورهای عضو می‌گذارد، پیامدهای مهمی بر توانایی کمیسیون اروپا و شورای اروپا در انتخاب مسیر سیاست خارجی خواهد داشت. نتایج نشان می‌دهد که دو گروه سیاسی اصلی در پارلمان - حزب مردم اروپا و اتحاد مترقی سوسیالیست‌ها و دموکرات‌ها - احتمالاً کرسی‌های زیادی را در پارلمان اروپا از دست خواهند داد؛ چه اینکه آنها در دو انتخابات گذشته پارلمان اروپا نیز کرسی‌هایی را از دست دادند. این روند نشان‌دهنده کاهش طولانی‌مدت حمایت مردمی از احزاب جریان اصلی و حمایت فزاینده از احزاب افراطی و کوچکتر در سراسر اروپا است که منجر به چندپارگی فراینده نظام احزاب اروپایی در هر دو سطح ملی و اروپایی شده است. با وجود این، همچنان انتظار می‌رود که حزب مردم اروپا، بزرگترین گروه در پارلمان باقی بماند و بنابراین بیشترین قدرت تعیین دستور کار، از جمله در مورد انتخاب رئیس کمیسیون بعدی را حفظ کند. پیش‌بینی این است که حزب میانه‌رو و تجدید اروپا و حزب سبزها یا اتحاد آزاد اروپا نیز کرسی‌های خود را از دست خواهند داد و به ترتیب از ۱۰۱ به ۸۶ و از ۷۱ به ۶۱ کاهش خواهند یافت. در همین حال، احتمالاً گروه‌های چپ کرسی‌های خود را از ۳۸ به ۴۴ افزایش خواهند داد. اگر جنبش پنج‌ستاره در ایتالیا، که پیش‌بینی می‌کنیم ۱۲ کرسی به دست آورد، تصمیم بگیرد که در کنار نمایندگان غیرمتعهد پارلمان اروپا ننشیند، ممکن است به G/EFA سبزها و اتحاد آزاد اروپا و یا چپ بپیوندد.

اما برندگان اصلی در انتخابات، جناح راست پوپولیست خواهند بود. برنده اصلی، گروه راست افراطی هویت و دموکراسی خواهد بود که انتظار می‌رود ۴۰ کرسی به دست آورد و با تقریباً ۱۰۰ نماینده، به‌عنوان سومین گروه بزرگ در پارلمان جدید ظاهر شود. همچنین پیش‌بینی می‌شود که گروه محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان اروپایی ۱۸ کرسی به دست آورد و اگر اتحاد مدنی مجار که انتظار می‌رود ۱۴ کرسی را به دست آورد، تصمیم بگیرد به جای قرار گرفتن در کنار نمایندگان غیروابسته به جریان اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران بپیوندد، آن‌وقت اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران می‌توانند از جریان تجدید اروپا و هویت و دموکراسی پیشی گرفته و به سومین گروه بزرگ در پارلمان اروپا تبدیل شوند. انتظار می‌رود که جریان اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران و جریان هویت و دموکراسی با هم ۲۵ درصد از نمایندگان پارلمان اروپا را تشکیل دهند و تعداد کرسی‌های بیشتری نسبت به حزب مردم و جریان سوسیال‌دموکرات، برای اولین بار داشته باشند.

پیش‌بینی می‌شود که حزب مردم اروپا در آلمان، ایتالیا، رومانی و ایرلند شکست قابل توجهی داشته باشند اما در اسپانیا احتمالاً دستاوردهای بیشتری خواهد داشت. یکی از پیش‌بینی‌ها این است که سوسیال‌دموکرات‌ها کرسی‌های زیادی را در آلمان و هلند از دست خواهند داد و بیشترین کرسی‌ها را در

نگاه تحلیلی

حدود ۶۰ به ۱۰۰ برسد که احتمال آن بسیار قوی است، ترکیب پارلمان دچار تغییرات جدی خواهد شد.

جریان راست در حال حاضر در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله ایتالیا، اسپانیا، لهستان، مجارستان، فنلاند، سوئد، اتریش، یونان، هلند، چک، بلژیک، اسلواکی، رومانی و... قوت گرفته و بعضاً موفقیت‌های چشمگیری در انتخابات داخلی و محلی به‌دست آورده است. با توجه به سهم قابل توجه کشورهای بزرگ اروپایی در پارلمان و اینکه در این کشورها جریان راست تقویت شده است، باید دید در ترکیب آتی پارلمان چه تعداد از نمایندگان این کشورها دست راستی خواهند بود. سهم پنج کشور بزرگ اروپایی از کرسی‌های پارلمان بالغ بر ۵۱ درصد است. آلمان ۹۶ کرسی، فرانسه ۷۹ کرسی، ایتالیا ۷۶ کرسی، اسپانیا ۵۹ کرسی و لهستان ۵۲ کرسی در پارلمان اروپا دارند که در مجموع ۳۶۲ کرسی را در بر می‌گیرد. حال موفقیت احزاب پوپولیست در کارزار آتی پارلمان اروپا در این کشورها در کنار کشورهای کوچکتر، ائتلاف احزاب میانه‌رو را ناممکن خواهد ساخت.

پیش‌بینی می‌شود حزب راست افراطی آلترناتیو برای آلمان (AfD) در انتخابات آتی پارلمان سهم بیشتری به‌دست آورد. این در خصوص حزب اتحاد ملی مارین لوپن در فرانسه نیز صدق می‌کند. شمار نمایندگان حزب برادران ایتالیا به رهبری جورجیا ملونی نیز افزایش چشمگیری خواهد

لهستان به دست خواهند آورد. انتظار می‌رود که جریان تجدید اروپا بیشتر کرسی‌های خود را در فرانسه و اسپانیا از دست بدهد و بیشترین پیروزی را در جمهوری چک و ایتالیا داشته باشد. همچنین انتظار می‌رود که جریان اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران کرسی‌های زیادی را در ایتالیا به دست آورند، زیرا حزب برادران ایتالیا به‌عنوان یکی از بزرگترین هیئت‌های نمایندگان در پارلمان اروپا (۲۷ کرسی) ظاهر شدند. با وجود سقوط مورد انتظار حزب راست‌گرا فورزا ایتالیا با تنها ۷ کرسی، حزب مردم ممکن است به برادران ایتالیا نزدیک شود تا به گروه آنها بپیوندد. مدل ما پیش‌بینی می‌کند که اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران کرسی‌های خود را در

لهستان از دست خواهند داد و علاوه بر ایتالیا، کرسی‌های بیشتری را در رومانی و اسپانیا به دست خواهند آورد. همچنین پیش‌بینی می‌شود که جریان هویت و دموکراسی بسیاری از کرسی‌های ایتالیا را از دست خواهد داد، اما این شکست‌ها با دستاوردهای قابل توجهی در فرانسه، آلمان، هلند، لهستان، پرتغال، بلغارستان و اتریش جبران خواهد شد. انتظار می‌رود که حزب سبز و حزب ائتلاف آزاد بیشترین کرسی‌ها را در آلمان، فرانسه و ایتالیا از دست بدهد و احتمالاً جریان چپ بیشترین دستاوردها را در آلمان، فرانسه و ایرلند خواهد داشت.

طبیعتاً در این پیش‌بینی‌ها ابهام وجود دارد. علاوه بر عدم قطعیت اجتناب‌ناپذیر نظرسنجی‌های فعلی و پیش‌بینی‌ها از سهم و کرسی‌های احتمالی هر حزب ملی، در مورد اینکه برخی از احزاب در نهایت به کدام گروه‌های سیاسی خواهند پیوست نیز ابهاماتی وجود دارد.

پیامدهای سیاسی

تغییرات در گروه‌ها و ائتلاف‌های سیاسی پیامدهایی برای دستور کار سیاسی اتحادیه اروپا و جهت‌گیری قوانین آتی اتحادیه اروپا خواهد داشت. ائتلاف‌ها در

